

۱۴۸۹۲۲۷

درآمدی بر انسان شناسی

مؤلفان: م. بی. هندری • سایمون آندرداون

ترجمه: محمد کاظم شجاعی

سیزان

Hendry, Joy	: هندری، جوی، ۱۹۴۵ - م.	سرشناسه
	: درآمدی بر انسان‌شناسی / مؤلفان جوی هندری، سایمون آندرداون؛	عنوان و نام پدیدآور
	: مترجم محمد کاظم شجاعی.	مشخصات نشر
	: تهران: سبزان، ۱۳۹۵.	مشخصات ظاهری
	: ۲۳۲ ص.	شابک
	: 978-600-117-211-3	وضعیت فهرست نویسی
	: فیبا	یادداشت
Anthropology: a beginner's guide, 2012	: عنوان اصلی:	موضوع
Anthropology	: انسان‌شناسی	شناخت افزوده
Underdown, Simon	: آندرداون، سایمون	نمونه رده
	: شجاعی، محمد کاظم، ۱۳۶۲ - مترجم	رده‌بندی کنگره
	: ۱۳۹۵ ۹۵۴/ GN۲۵	رده‌بندی دیویی
	: ۳۰۱	شماره کتابشناختی
	: ۴۶۱۵۷۳۰	

انتشارات سبزان

میدان فردوسی - خیابان فرصت - ساختمان ۱۴ تلفن: ۸۸۳۱۹۵۵۸-۸۸۸۴۷۰۲

درآمدی بر انسان‌شناسی

- مؤلفان: جوی هندری، سایمون آندرداون
- مترجم: محمد کاظم شجاعی
- ناشر: سبزان
- خدمات نشر: واحد فنی سبزان
۸۸۳۴۸۹۹۱-۸۸۳۱۹۵۵۷
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶
- تیراژ: ۸۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: خجسته

فروش اینترنتی از طریق سایت آی‌ای کتاب www.iiketab.com

شابک ۳-۲۱۱-۱۱۷-۶۰۰-۹۷۸-978-600-117-211-3

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار: مقدمه
۱۱	پیشگفتار
۲۱	فصل اول: بدن انسان
۴۵	فصل دوم: شیوه‌های تفکر و ارتباط
۶۷	فصل سوم: سازماندهی روابط اجتماعی
۸۷	فصل چهارم: رابطه با طبیعت
۱۰۷	فصل پنجم: فردیت
۱۲۵	فصل ششم: آئین‌ها، جشن‌ها و هویت
۱۴۳	فصل هفتم: شیوه‌های تعلق
۱۶۱	فصل هشتم: گونه‌های جهانی
۱۸۳	فصل نهم: انسان‌شناسی در عصر ارتباطات جهانی
۲۰۳	فصل دهم: اعمال انسان‌شناسی
۲۱۵	منابعی برای مطالعه بیشتر
۲۲۷	نمایه

پیشگفتار مترجم

کسی که پیش رو دارید، تلاش می‌کند با رویکردی میان‌رشته‌ای و ترکیب مباحث ژنتیک، تاریخ، جغرافیا، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی؛ قابل‌دسترس‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین موضوع پیش روی بشر، یعنی «انسان»، را بررسی کند. تعریف انسان و بررسی ابعاد و چگونگی شکل‌گیری جسم و جان آن، در طول تاریخ با او بوده است. همه‌ی ما از غایت سطوح سواد، تجربیات و مکانی که در آن زندگی می‌کنیم، حداقل یک بار از خود پرسش می‌کنیم: کیست که در آینده به ما می‌نگرد؟

در حال حاضر، انسان به سطح بی‌سابقه‌ای از علم و فناوری رسیده است. تاکنون هیچ‌گاه بشر تا این اندازه به جهان اطراف خود آشنایی نداشته است. امروزه از دورترین کهکشان‌ها تا ریزترین ذره‌ها زیر نگاه ما قرار دارند. سرعت انتقال اطلاعات و نیز امکان جابه‌جایی بشر منجر شده است که تعداد زیرسیاره‌ای که ما در آنیم حتی اطلاعات دورافتاده‌ترین نقاط جهان و عجیب‌ترین مردم و موجودات را در سریع‌ترین زمان به‌دست آوریم. ولی با وجود تمام این پیشرفت‌ها و حجم گسترده‌ی اطلاعات، میزان دانش اندکی که از خودمان داریم تکان‌دهنده است. تمام دانش ما درباره‌ی خودمان، به فرضیاتی محدود می‌شود که ممکن است هر لحظه با کشف فسیلی در یک نقطه‌ی دورافتاده از جهان زیر سؤال برود. دو دلیل عمده برای این حجم بزرگ از ناآگاهی وجود دارد: یکی عدم وجود شواهد تاریخی کافی در مورد تاریخ تکامل بشر و دومی تعدد نظرات و عقاید دانشمندان در مورد روند تکامل بشر.

طی سال‌های اخیر و با توجه به توسعه‌ی فناوری تحلیل و تعیین قدمت فسیل‌ها، شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای و مطالعات ژنتیک، مشکل نخست به تدریج در حال حل شدن است و حالا بیشتر از همیشه به کسب تصویر روشنی از تاریخ تکامل بشر و البته سایر گونه‌ها نزدیک هستیم. ولی در مورد تعدد نظرات پژوهشگران، چشم‌انداز روشنی پیش رو نیست. در طول تاریخ بشر، بخصوص در درین زمان از عصر روشنگری، هر کدام از فلاسفه و دانشمندان بر اساس نگاه خود و نه فضایل مکتبی، حاکم بر دورانشان، نظریاتی را در مورد اصالت بشر، روند تکامل آن، جایگاه آن در نظام هستی و آینده‌ی پیش رویش ارائه کرده‌اند. طی سال‌های اخیر، نظریاتی تکاملی چارلز داروین، به بیشترین محبوبیت دست یافت و فضای کلی این مصحات تحت تأثیر قرار داد. ولی نظریات فعلی با وجود اینکه پاسخ پرسش‌هایی مانند «کی؟» «کجا؟» و «چطور؟» را یافته‌اند، هیچ‌گاه در یافتن پاسخ پرسش «چرا؟» موفق نبوده‌اند. برای مثال، می‌دانیم که اجداد ما پس از نابودی جنگل‌های آفریقا، توسعه‌ی علفزارهای بی‌سایه در این منطقه و به خاطر جلوگیری از قرار گرفتن در معرض تابش شدید نورشید به جای چهار پا روی دو پا راه رفتند. می‌دانیم که انسان‌ها برخلاف گوریل‌ها و سایر نخستی‌ها از جنگل‌های آفریقا خارج و در تمام جهان پراکنده شدند؛ و این می‌دانیم که چرا این اتفاق تنها برای انسان رخ داد و گوریل‌ها و سایر نخستی‌ها در همان وضع باقی ماندند. می‌دانیم که با بزرگ شدن فضای جمجمه‌ی انسان‌ها، حجم مغز آنها نیز افزایش یافت و آنها توانستند با اختراع ابزارهای گوناگون، جهان را تحت تسخیر خود درآورند و ... اما همیشه جای این پرسش خالی است: «چرا؟»

هیچ‌کدام از نظریه‌های موجود نمی‌توانند پاسخ روشنی برای این پرسش بیابند. این عرصه‌ی مذهب است! خلقت انسان، جایگاه آن در نظام هستی و البته سرنوشت آن، در همه‌ی ادیان و کتب آسمانی مورد توجه قرار گرفته است. ادیان الهی تعریف روشنی از تمام مراحل زندگی بشر به‌دست می‌دهند. اگرچه برخی از خوانندگان و

پژوهشگران، علاقه‌ای به پذیرش داستان آفرینش ندارند، ولی با توجه به وضع فعلی و ناکامی نظریات موجود برای توضیح چرایی تکامل بشر و نیز آینده‌ی آن، شاید ایمان به سرنوشت الهی نه تنها ساده‌ترین؛ که منطقی‌ترین راه باشد.

در کتاب پیش رو نویسندگان تلاش کرده‌اند با بررسی ابعاد جسمی و روحی بشر و نیز نظریات و شواهد مربوط به تاریخ تکامل این گونه، تصویر روشنی را از تاریخ رشته‌ی انسان‌شناسی، رابطه‌ی آن با سایر رشته‌ها و چشم‌اندازهای آینده به‌دست بدهد. همان‌طور که از عنوان کتاب برمی‌آید، این کتاب درآمدی بر انسان‌شناسی است و بر خلاف سایر کتاب‌های این رشته، برای مخاطبان عام نوشته شده و هر کسی که به بحث تاریخ تکامل بشر، چگونگی شکل‌گیری جوامع نوین و شباهت‌ها و تفاوت‌های فیزیکی و روحی انسان‌ها علاقه‌مند است، می‌تواند مخاطب آن باشد. امیدوارم علاقه‌مندان با مطالعه این کتاب دید روشن‌تری نسبت به خود و اطرافیانشان پیدا کنند. در نهایت ساینده است از همسر مهربانم خانم حامده دریایی که در تمام طول ترجمه این اثر در کنار من بودند به خاطر مشاوره‌های راهگشایشان تشکر کنم. همچنین قدردانی خود را از دوستان ریزم جناب آقایان دکتر محمود دهقان، حامد مویدی و بهمن برومند به خاطر کمک‌هایشان اعلام می‌دارم.

پیشگفتار

«انسان‌شناسی»^۱ رشته‌ای مربوط به قرن بیست و یکم است که سابقه‌ای به قدمت تاریخ بشر دارد. هر کسی که به اصالت خود و رفتارهای همسایگانش فکر کند، به با تربیت متفاوتی نسبت به خودش رشد کرده‌اند، وارد حوزه‌ی انسان‌شناسی می‌شود. طی چند دهه‌ی اخیر، ما ضمن تماشای مردم گوناگون در تلویزیون، توانستیم در محل کار، دانشگاه یا مدرسه کنار آنها زندگی کنیم. برخی از آنها ممکن است بر مکن‌هایی دور به محل زندگی ما آمده باشند، ولی بسیاری هم با «مناسک»^۲ مراسم، آداب و سبک‌های متفاوتشان در شهر ما زندگی و رشد کرده‌اند. ممکن است چهره‌ی ما شبیه یا متفاوت باشد و خانواده و اصالت یکسانی نداشته باشیم، ولی زبان بومی مشترکی برای ایجاد ارتباط با کسانی داریم که در نزدیکی‌مان زندگی می‌کنند.

تنها در دهه‌های منتهی به هزاره‌ی جدید و اختراع اینترنت توانستیم، بلافاصله اطلاعاتی را در مورد افرادی که در آن سوی جهان زندگی می‌کنند، به دست آوریم تا ویژگی‌های مشترکمان را بیابیم و از تفاوت‌هایمان شگفت‌زده شویم. حالا بدون نیاز به کتاب و معلم، می‌توانیم اطلاعاتی را در مورد ریشه‌های تکاملی‌مان در طول زمان پیدا کنیم، رابطه‌ی خودمان را با محیط زیست بررسی نماییم و در صورت بهره‌مندی از دانش زبانی، به راحتی با مردمی سخن بگوییم که بزرگان‌شان - والدین، پدربزرگ و مادربزرگ و ... - شیوه‌ی تفکر کاملاً

متفاوتی با ما داشتند. هر کدام از این اعمال، ما را در مسیر انسان‌شناسی قرار می‌دهد، چون انسان‌شناسی دقیقاً از همینجا شروع می‌شود.

بنابراین، ما انسان‌های عصر مدرن، با توجه به تسهیل مسافرت‌های خارجی و مصرف محصولات شرکت‌های چندملیتی، نسبت به اجدادمان دسترسی بیشتری به دانش انسان‌شناسی داریم. با این حال، در کتاب حاضر به برخی از ارزش‌هایی می‌پردازیم که بزرگ‌ترها و اجداد ما ممکن است از طریق آموزشی که از اینترنت فراتر می‌رود، کمتر متقل کرده باشند. این، شامل شیوه‌هایی است که شما می‌توانید بر دانش روانی، ارزشمندتان تکیه کنید تا خودتان انسان‌شناسی را از طریق سخن گفتن برخی از این بزرگ‌ترها، تبادل نظر با دوستانتان یا جستجوی اشیاء عجیب و غریبی که می‌توانید در دستانتان بگیرید انجام دهید. این می‌تواند شامل اشاراتی برای حرکت بیشتر به عمق تاریخ، از طریق بررسی ریشه‌های خانوادگی‌تان تا ارائه‌ی پیشنهادی در مورد میراث زیستی مشترک شما و دوستانتان بشود.

تاریخچه‌ی انسان‌شناسی

انسان‌شناسی به عنوان یک رشته‌ی علمی، ریشه‌ی تصویر مثبتی نداشته، بنابراین، پیش از آغاز بحث شایسته است به تاریخچه‌ی مختص این رشته بپردازیم. انسان‌شناسی به عنوان یک رشته‌ی دانشگاهی، حدود یکصد سال پیش هم‌زمان با سایر علوم معرفی شد و در آغاز تحت تأثیر برخی رشته‌های دیگر اروپایی قرار گرفت. تا میانه‌های قرن نوزدهم، کارشناسانی که در مورد تکامل و رفتار نوع بشر و اجتماعات آنها کار می‌کردند، به طور کلی «فلاسفه‌ی طبیعی»^۱ خوانده می‌شدند. با این حال، هم‌زمان با پیشرفت جریان تفکر اروپایی در اواخر «عصر روشنگری»^۲، این گروه از دانشمندان، حوزه‌های تخصصی‌تری را مورد مطالعه قرار دادند. در این دوران، رشته‌های مختلف علمی از هم تفکیک و به

1. Natural philosophers

2. Enlightenment

انسانی‌ای مانند فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی شناخته شدند که این امر تا امروز به قوت خود باقی است. رشته‌های تازه برای آزمودن مفهوم «جامعه»^۱ یا چگونگی سازماندهی انسان‌ها خلق شدند. یکی از اجداد فکری ما، هربرت اسپنسر^۲، معتقد بود که جامعه ممکن است مانند یک موجود زنده از قوانین «جانداران زیستی»^۳ پیروی کند.

در این دوران، انسان‌شناسان اروپایی با سفر به مناطق دورافتاده، ویژگی‌های زیستی، زبانی و اجتماعی مردم «تازه کشف شده» را بررسی کردند. استعمارگران هم برای شناخت بهتر مردم مستعمرات، از انسان‌شناسان کمک خواستند. به همین دلیل انسان‌شناسی^۴ در کنار استعمارگری و به عنوان یکی از ابزارهای آن مورد انتقاد شدیدی قرار گرفت. انسان‌شناسان اولیه، مردمی را که مورد مطالعه قرار می‌دادند، تنها به دلیل عدم بهره‌مندی از فناوری‌های موجود در کشورهای صنعتی آن دوران، «بدوی»^۵ می‌خواندند. به علاوه، مردم بومی که تلاش می‌کردند در برابر مهاجمان و استعمارگران ایستادگی کنند، «وحشی»^۶ خوانده می‌شدند. دو نمونه‌ی مشهور، بومیان آمریکا و استرالیا هستند. البته، پس از استعمارگران، پس از اقامت طولانی در سرزمین‌های تازه کشف شده، عقل و شعور مردمی را که زندگی و فرهنگشان تقریباً نابود شده بود، درک کردند.

حتی در همین دوران اولیه هم، برخی از انسان‌شناسان، پس از گذراندن مدت بیشتری با بومیان و نیز یادگیری زبان آنها توانستند پیش‌بینی اندیشه‌ای را که پشت رفتار عجیب این مردم وجود داشت درک کنند و شیوه‌های تفکری را بیابند که به اندازه‌ی شیوه‌های تفکر خودشان منطقی و پیشرفته و تنها متفاوت بود. متأسفانه، سایر انسان‌شناسان، پس از مطالعه‌ی بومیان، جوامع را بر اساس سطح تمدن آنها رتبه‌بندی کردند. عجیب نبود که در تمام این دسته‌بندی‌ها، اروپایی‌ها

1. Society

2. Herbert Spencer

3. Biological organisms

4. Primitive

5. Savage

خودشان را در نوک هرم تمدن قرار دادند. در اقصی نقاط جهان از همین دیدگاه برای توجیه سیاست‌های همانندسازی یا حتی حذف بومیان «پست‌تر» از سوی ملت‌های «قدرتمند» و استعمار زمین‌های آنها استفاده می‌شد.

نوشته‌های چارلز داروین^۱ و نظریه‌ی او در مورد «تکامل»^۲، که پایه‌ی شاخه‌ای از انسان‌شناسی را به نام «انسان‌شناسی زیستی»^۳ گذاشت و به منشأ و چگونگی توسعه‌ی گونه‌ی انسان می‌پردازد، در این دوره از تاریخ تأثیر زیادی داشت. تفسیر اشتباه ایده‌های اینسبر در مورد جامعه، مبنی بر پیروی آن از قوانین «جانداران زیستی»، منجر به این سوءتفاهم شد که می‌توان ایده‌های مربوط به تکامل را بر گروه‌های اجتماعی نیز عمار کرد. از این تفسیر اشتباه برای توجیه همان رتبه‌بندی استفاده شد که در بالا آمد. در دهه‌های نوینی که در مکان‌هایی مانند آمریکا تشکیل شدند، انسان‌شناسان «فرسک»^۴ بخصوص «فرهنگ مادی»^۵ - شامل مسکن، پوشاک، هنر، ابزارها و اسلحه - را به مطالعه قرار دادند و آنها را مواردی دانستند که پس از تحمیل سبک زندگی استعمارگران به بومیان از بین بروند. آنها شاید اصطلاح «بقای اصلح»^۶ را که در حال حاضر به داروین نسبت می‌شود، در ذهن داشتند. ولی جالب است که این عبارت نخستین بار در نوشته‌های اینسبر مطرح شد. استعمارگران آماده شدند تا چیزهایی را که پیدا کردند را «بازیست»^۷ کنند. «انسان‌شناسی زبان‌شناختی»^۸ هم زبان را با همین دیدگاه مورد بررسی قرار داد.

در نتیجه شاهد تغییر کامل زندگی بازماندگان این مردم استعمار شده ایم. با این حال، بسیاری از آنها تنها بخشی از هویت خود را از دست دادند. حال آنکه آنها هم به تمام مهارت‌های فنی مهاجمان رسیده‌اند، ناراحتی و خشم خود را از نظام دسته‌بندی سابق بیان می‌کنند. پس از پایان دوران استعمار، انسان‌شناسانی

1. Charles Darwin

2. Evolution

3. Biological anthropology

4. Material culture

5. Survival of the fittest

6. Salvage

7. Linguistic anthropology

که در مطالعات زیست‌شناسی اولیه - مثل اندازه‌گیری حجمه، جمع‌آوری استخوان‌های مردگان و نظریه‌های مربوط به پیشرفت فناوری - نقش داشتند بیشتر از سایرین مورد حمله قرار گرفتند.

با این حال، در اواخر قرن بیستم و بیست و یکم، انسان‌شناسی زیستی شاهد تغییرات قابل توجهی بود و تلاش کرد تا تصویر منفی‌ای را که از روزهای ابتدایی آن وجود داشت بزدايد. کار تحلیل فسیل‌ها و پیشرفت‌های رخ داده در درک «ی.ان.ای»^۱ دانش کاملاً جدیدی را از میراث تکاملی مشترک ما ایجاد کرد. حالا ما می‌توانیم برای مثال، اعتبار مفهوم زیستی «نژاد»^۲ را که در گذشته معیاری برای تشخیص نژاد^۳ وجود بین گروه‌های مختلف انسان بود، زیر سؤال ببریم.

هم مان، به زیر کارشناسان - که به عنوان انسان‌شناسان اجتماعی، فرهنگی یا زبان‌شناختی - ساختار می‌شوند، برای توصیف و مقایسه‌ی ویژگی‌های خاص جوامع معاصر و اخیر تلاش می‌کنند. یکی از انسان‌شناسان اولیه به نام برانیسلاو مالینوسکی^۴، که به سطر روع ننگ در کشورش مجبور به اقامت طولانی در جزایر ترابریاند^۵ شد، توانست طبقه‌بندی و عای بودن رفتار اهالی جزیره را درک کند. در پی انتشار آثار او، انسان‌شناسان شیوه‌ی مطالعه‌ی خاصی را به نام «مشاهده‌ی مشارکتی»^۶ ایجاد کردند که بر اساس آن، انسان‌شناسان باید حداقل یک سال را در محلی که برای مطالعه انتخاب کرده بودند، می‌گذراندند. علاوه بر این، امروزه برخی از همان مردمی که در گذشته موضوع مطالعه‌ی انسان‌شناسان بودند، ترجیح می‌دهند مطالعاتی روی خودشان انجام دهند و با استفاده از مهارت‌های نوپدید، ضمن نمایش ارزش دانش و توانایی‌هایی خاص مردمشان سابقه‌ی تحقیر تاریخی‌شان را پاک کنند.

1. Deoxyribonucleic acid (D.N.A)

دی.ان.ای یا دنا سرنام عبارت دئوکسی‌ریبونوکلیک‌اسید به انگلیسی نوعی اسید نوکلئیک است که دارای دستورالعمل‌های ژنتیکی است که برای کارکرد و توسعه بیولوژیکی موجودات زنده و ویروس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

2. Race

3. Bronisław Malinowski

4. Trobriand Islands

5. Participant observation